

راهبردهای ترویج و تعمیق دینداری میان جوانان و نوجوانان در جامعه امروز

* سیدمرتضی حسینی حسین آباد^۲

چکیده

ترویج و تعمیق دینداری میان جوانان و نوجوانان در جامعه، امروز بدون وجود برنامه و راهبرد مشخص و حساب شده و به شیوه‌های قدیمی و مرسوم ممکن نخواهد بود؛ به همین دلیل نیازمند راهبردهایی هستیم که بتوان با ترسیم فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی در حوزه دین ذیل آن‌ها، به انسجام این فعالیت‌ها و منطبق شدن آن‌ها بر نیازها روز جامعه و در نتیجه اثربخش‌تر شدن آن‌ها کمک نمود. لذا در این نوشتار به ارائه و تبیین برخی از راهبردهای ترویج و تعمیق دینداری متناسب با جوان امروزی، در سه محور اصلی پرداخته شده است.

۱. ایجاد پیش‌نیازهای دینداری در افراد

۲. ایجاد انگیزه برای تبعیت از دین اسلام

۳. فراهم نمودن بستر مناسب دینداری

راهبردهایی متناسب با اقتضائات جامعه امروز و نیازهای نوجوانان و جوانان که در نظر داشتن آن‌ها در ترسیم راهکارهای اجرائی و برنامه‌های آموزشی و تبلیغی در حوزه دین در سطح کلان مانند آموزش و پرورش و در سطح فعالیت‌هایی با مقیاس کوچک‌تر مانند تربیت فرزند توسط والدین نقش بسزایی در اثربخش‌تر شدن این فعالیت‌ها و در نتیجه افزایش کمی و کیفی دینداری در جامعه دارد.

کلیدواژه‌ها

دین اسلام، دینداری، ترویج، تبلیغ، انسان، راهبرد، انگیزه دینداری، پیش‌نیازهای دینداری، بستر مناسب برای دینداری، موانع دینداری، تبیین، جامعه امروز، جوانان، نوجوانان.

مقدمه

دینداری و تبعیت از دستورات دین مبین اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا دین اسلام تنها برنامه‌ای است که هم سعادت انسان در آخرت را تضمین کرده و هم بهترین شیوه استفاده از این دنیا در راستای داشتن یک زندگی ایده آل و لذت بخش را به انسان نشان می‌دهد.

امروزه در جامعه ما افراد و نهادهای بسیاری به حسب وظیفه قانونی، رسالت اجتماعی و یا دغدغه شخصی به نشر معارف دین اسلام در راستای ترویج و تقویت دینداری میان افراد جامعه می‌پردازند؛ اما بسیاری از این تلاش‌ها، اثرگذاری مطلوب و مورد انتظاری را به خصوص بر روی نسل جوان، در پی نداشته است؛ از جمله دلایل ریشه‌ای آن را می‌توان عدم وجود نگاهی جامع و درست به مقوله دین و روش تبلیغ آن در مجریان این فعالیت‌ها دانست؛ لذا به ارائه و تبیین دقیق برخی راهبردهای ترویج و تعمیق دینداری در سه محور اصلی: ایجاد پیش‌نیازهای دینداری در افراد، ایجاد انگیزه برای تبعیت از دین اسلام و فراهم نمودن بستر مناسب

۲. طلبه پایه چهارم مدرسه علمیه مدینه العلم کاظمیه یزد. ۰۹۲۱۵۳۲۴۰۴۵

دینداری پرداخته‌ایم؛ تدوین این راهبردها با توجه به اقتضائات و ویژگی‌های جامعه امروز و جوان و نوجوان امروزی صورت گرفته است و در عین حال منطبق بر نص قرآن کریم و روایات است و سعی شده به جای ارائه راهکارهای مرسوم قدیمی از زاویه‌ای دیگر به مبحث دینداری پرداخته شود که ارائه این مفاهیم در قالب راهبردهای مرتبط به هم در نوع خود منحصر به فرد است و می‌توان ادعا نمود که متمرکز کردن فعالیت‌های تبلیغی در حوزه دین ذیل این راهبردها منجر به اثرگذاری هر چه بیشتر این فعالیت‌ها شده و می‌تواند قدمی هر چند کوچک در راستای تحقق جامعه‌ای اسلامی که یکی از ارکان تمدن نوین اسلامی است؛ باشد.

۱. ایجاد زمینه پذیرش دین در افراد

یکی از ایرادهای بزرگ فعالیت‌های تبلیغی در حوزه دین عدم توجه به وجود یا عدم وجود برخی ویژگی‌ها در مخاطب است؛ ویژگی‌هایی که بودن یا نبودن آن‌ها تأثیر مستقیم در آمادگی مخاطبان برای پذیرش دین دارد، و اساساً آموزش دین اسلام باید با پرداختن به همین مفاهیم بنیادین آغاز شود تا اثرگذاری لازم را داشته باشد. این ویژگی‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. برخی از آنها به صورت طبیعی در انسان‌ها وجود دارد؛ مانند منفعت طلبی اما بسیاری از انسان‌ها به دلایل متعددی یا به طور کلی نسبت به آن غافل هستند و یا در تشخیص مصادق دچار اشتباه می‌شوند.
۲. برخی دیگر، نه تنها در طبیعت انسان یافت نمی‌شود بلکه در نگاه اول پذیرش آن برای انسان دشوار است و او باید تلاش کند تا آن صفت را در خود نهادینه کند؛ مانند ویژگی برنامه ریزی و برنامه پذیر بودن. در ادامه به تشریح این ویژگی‌ها که می‌توانند به عنوان پیش‌نیازهای دینداری باشند، خواهیم پرداخت.

الف) منفعت طلب بودن

در نگاه اول ممکن است از عبارت منفعت طلب بودن برداشتی ناصحیح صورت گیرد، چرا که در فرهنگ ما منفعت طلب و خودخواه بر کسی اطلاق می‌شود که منافع دیگران را نادیده گرفته و به خاطر منافع خود حقوق دیگران را پایمال و به آن‌ها ظلم کند؛ لکن بنابر معنایی که در اینجا از منفعت طلبی مدنظر داریم، نادیده گرفتن منافع و حقوق دیگران، در اصل «نابود کردن منافع بلند مدت خود به خاطر منافع کوتاه مدت» است که کاملاً خلاف منفعت طلبی است؛ چرا که عواقب ظلم به دیگران نه تنها در آخرت بلکه گاهی در دنیا نیز دامن‌گیر انسان خواهد شد.

در مقابل در نظر داشتن منافع دیگران و حتی ایثار و از خود گذشتگی که در ظاهر به ضرر منافع کوتاه مدت انسان است، در اصل به معنای «گذشتن از منافع کوتاه مدت به خاطر منافع بلند مدت» می‌باشد از مصادیق منفعت طلبی است.

دین اسلام آمده تا همه منافع انسان در زندگی دنیا و آخرت و راه رسیدن به آن‌ها را به او نشان دهد و فلسفه دستورات خداوند نیز همین است که انسان دنبال منافع خویش رفته و ضرر نکند چرا که در قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ، وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا» (فصلت، ۴۶) هر کس شایسته عمل کند، پس به سود خود اوست و هر کس ناشایسته عمل کند پس به زیان اوست.

بنابراین بدیهی است اگر انسانی به دنبال منافع خویش چه در دنیا و چه در آخرت نباشد و همه منافعش را نخواهد دینداری نیز برای او جذابیت نداشته و نمی‌تواند فردی دیندار باشد برای مثال وقتی به یک دانش آموز می‌گوییم: «اگر درس نخوانی و مدارج عالی را طی نکنی و وقت خودت را به بطالت بگذرانی، ده سال دیگر، به جایگاهی نمی‌رسی و متأسف خواهی شد.» اگر او در پاسخ بگوید: «مهم نیست!» این فرد که منافع ده سال آینده‌اش را در نظر نمی‌گیرد، اهل دین هم نمی‌شود، زیرا ابتداء باید اصل منافع برایش مهم باشد تا بتوان از برنامه‌ای که قرار است بیشترین منافع را به انسان برساند با او سخن گفت.

ممکن است این سوال پیش بیاید که اگر یک جایی دین به ضرر انسان، بود باید دین را کنار گذاشت یا منافع خود را؟ این پرسش ریشه در برداشت عامیانه و فهم نادرست از دین دارد؛ مگر ممکن است دستورات الهی که برخاسته از محبت بی‌حد و حصر خداوند به انسان است به ضرر او باشد! پس اولین ویژگی‌ای که برای دیندار شدن لازم می‌باشد این است که انسان، منفعت طلب است و نفع و ضررش برای او اهمیت بسیاری دارد.

ب) اهل مسابقه بودن

«سَابِقُوا إِلَيَّ مَغْفِرَةً مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (حدید، ۲۱)

دومین پیش‌نیاز دینداری و اینکه شخص نسبت به انجام دستورات خداوند حساس باشد، اهل مسابقه بودن است. منفعت طلب بودن برای دینداری لازم است اما کافی نیست، زیرا انسان علاوه بر آن، به یک انگیزه برای انجام حداکثری فعالیت‌ها نیاز دارد، و آن انگیزه برتری جویی نسبت به دیگران است؛ ویژگی اهل مسابقه بودن باعث می‌شود به دنبال تأمین منافع حداقلی نباشد و همه منافعش را در نظر بگیرد و بخواهد از همه برتر شود. دین برای این نیامده که ما را فقط از زشتی‌ها و بدی‌ها نجات دهد! دین آمده است تا در تمام ساحت‌های زندگی ما را به اوج برساند. دین برنامه‌ای است برای کسانی که حداکثر منافع را می‌خواهند. کسی که دنبال حداکثر منافع نباشد، این برنامه زندگی نیز به درد او نمی‌خورد! برای مثال زمانی که به کسی گفته می‌شود: «موسیقی نامناسب گوش نده، زیرا باعث عدم شکوفایی استعدادهای روحی و معنوی تو خواهد شد و مانع رسیدن تو به تمام منافعت می‌باشد» اگر او در جواب بگوید: «من تمام منافع را نمی‌خواهم و برایم مهم نیست!» این فرد با این تفکر حداقلی که در زندگی مادی خود به حداقل‌ها اکتفا کرده است، اساساً نمی‌تواند دارای شخصیتی دیندار باشد و نسبت به انجام دستورات دین، حساس نخواهد بود.

بنابراین از آنجا که دین اسلام بنا دارد تا تمام منافع مادی و معنوی انسان در دنیا و آخرت را تأمین کند، ایجاد و حفظ روحیه مسابقه دادن و به تبع آن در نظر گرفتن تمامی منافع، از ضروری‌ترین پیش‌نیازهای پذیرش دین می‌باشد.

ج) برنامه پذیری و برنامه ریزی

از آنجا که دین اسلام خود برنامه‌ای برای زندگی انسان‌هاست؛ صفاتی مانند اهل برنامه ریزی و تدبیر بودن، دقت در رفتار و نظم از مهم‌ترین ویژگی‌های است که می‌توان به عنوان زمینه و پیش‌نیاز دینداری معرفی کرد.

برای این کار ابتداء باید در ذهن افراد نهادینه شود که زندگی به صورت تصادف اداره نمی‌شود، برای رسیدن به هر منفعتی، به تدبیر و تلاش منظم نیاز داریم و بدون تدبیر نمی‌توان زندگی کرد!

البته ممکن است در مواجهه با برنامه ریزی و نظم احساس شود منظم زندگی کردن باعث می‌شود انسان به زحمت افتاده و از زندگی لذت نبرد و در مقابل بی‌برنامه زندگی کردن از لذت بیشتری برخوردار است. پس آیا این مطلب بدین معناست که بی‌نظمی لذت بخش است؟ پاسخ مثبت است؛ همین بی‌نظمی حتی برای انسان منظم نیز لذت بخش است! فرد منظم اگر بخواهد در برنامه خود گاهی اوقات بی‌نظم باشد، در آن زمان محدود از بی‌نظمی خودش بسیار لذت می‌برد. برای مثال لذت یک انسان منظم از اوقات فراغت خود به مراتب بیشتر از لذت فرد بی‌برنامه از تمام زندگی‌اش می‌باشد. این تصور غلطی است که آدم اگر بدون نظم و برنامه، به سمت هر چیز که دلش خواست برود بیشتر لذت می‌برد! البته با هوس و بی‌نظمی هم می‌توان لذت برد اما لذت آن مقطعی، ناچیز و زودگذر است و در فاصله کمی غم و اندوه بیشتر جایگزین آن می‌شود.

تا زمانی که این حقایق برای کسی اثبات نشده باشد اگر وجود خدا نیز برای او اثبات شود اثری در دینداری او ندارد؛ زیرا او ضرورتی برای با برنامه زندگی کردن نمی‌بیند؛ خواه این برنامه از سوی خدا باشد یا هر کس دیگر؛ انسانی که اهل نظم و با برنامه زندگی کردن نیست موجودی منفعل بوده و لذا چنین فردی نمی‌تواند دیندار خوبی باشد. در مقابل فرد منظم و اهل برنامه، خود در پی سودمندترین و لذت‌بخش‌ترین برنامه است و زمینه پذیرش دین اسلام و دینداری، به خوبی در او وجود دارد.

د) پذیرش زندگی در جهانی منظم با نظمی آهنین

قبل از اینکه بخواهیم به سراغ دین برویم، باید بفهمیم در چه دنیایی زندگی می‌کنیم؟ این جهان، جهانی بی‌ضابطه نیست، بلکه جهانی است کاملاً حساب شده و دقیق که هر عملی در این جهان منظم، عکس‌العملی دارد. نتیجه بی‌نظمی ما در این جهان، به خود ما برمی‌گردد و به ما لطمه می‌زند. قوانین طبیعی این دنیا به ما این اجازه را نمی‌دهند که هر طور که می‌خواهیم در این جهان رفتار کنیم برای مثال گذر زمان محدودیتی است که انسان نمی‌تواند بر آن غلبه پیدا کند و لاجرم باید آن را بپذیرد.

البته پذیرش این جهان پیچیده، قاعده‌مند و منظم، کمی دشوار است؛ زیرا انسان‌ها ذاتاً علاقه‌مند به راحتی و آزاد بودن هستند و می‌خواهند به این محدودیت‌ها توجه نکنند تا راحت و آسوده باشند؛ اما این روش غلطی است چرا که توجه نکردن به این ضوابط تغییری در تأثیرگذاری آن‌ها بر زندگی انسان ایجاد نمی‌کند و آثار منفی عملکردهای او را از بین نمی‌برد و در نتیجه آسایش و راحتی برای او به ارمغان نمی‌آورد.

وقتی فرد این محدودیت‌ها را پذیرفت، قاعدتاً زندگی برای او سخت می‌شود چرا که اولاً انسان اطلاع کاملی نسبت به همه قواعد این عالم و علی‌الخصوص شیوه زندگی در این جهان منظم، به گونه‌ای که بیشترین نفع را ببرد و ضرری به او وارد نشود، نداشته و ثانیاً حتی با دانستن مسیر درست دائماً در معرض خطا و اشتباه است. اینجاست که احساس نیاز به یک برنامه کامل و مطابق با قوانین عالم - برای داشتن بهترین زندگی در این عالم پیچیده و دقیق - و کسی که در تمام این مراحل زندگی او را یاری کند و در صورت خطا و اشتباه دستگیر او باشد، در او بیدار می‌شود. اکنون به خوبی زمینه پذیرش دین و اعتقاد به پروردگار عالم که سرپرست

و یاور مؤمنان در همه سختی‌ها است و هیچ قدرتی بالاتر از او نبوده در فرد ایجاد شده است. بنابراین پذیرش نظم جهانی که در آن زندگی می‌کنیم از مهم‌ترین مقدمات پذیرش دین و دینداری است که پرداختن به این موضوع باید مورد توجه مبلغان و مروجان تعالیم دینی قرار گیرد.

۲. ایجاد انگیزه برای تبعیت از دین اسلام

تمام رفتارهای اختیاری و خودآگاه متوقف بر اراده و تصمیم است که این اراده خود نیز متوقف بر شوق می‌باشد.

از آنجا که دینداری فعلی اختیاری و خودآگاه است لاجرم متوقف بر اراده و به تبع آن شوق و انگیزه است. از این گذشته غالب افراد جامعه امروز به خصوص جوانان و نوجوانان از انگیزه کافی برای دینداری برخوردار نیستند؛ این در حالی است که اکثر فعالیت‌های تبلیغی و آموزش‌های دینی بدون توجهی به این مهم اثری ندارند، به عبارت دیگر این آموزش‌ها متناسب با افرادی طراحی شده‌اند که از انگیزه کافی برای پذیرش دین برخوردار بوده‌اند؛ مانند قبل از انقلاب اسلامی که مخاطبین مطالب دینی اغلب کسانی بودند که به عالم دینی مراجعه می‌کردند و این نشانه از وجود شوق کافی برای عمل به دستورات اسلام است؛ بر خلاف امروز که با انبوه کسانی رو به رو هستیم که خود را با دین مواجه می‌بینند بدون آن که انگیزه‌ای برای پذیرش و عمل به آن داشته باشند. (پناهیان، ص ۳۳)

متأسفانه غالب فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی در حوزه دین علی‌رغم تفاوت زمینه ذهنی مخاطب امروزی هنوز به همان شیوه قبل اجرا می‌شود و به جای این که ابتداء دل و جان مخاطب را برای ایمان و پذیرش دین آماده شود به بیان احکام، اعتقادات و اخلاق پرداخته می‌شود. و یا این که برای متقاعد کردن مخاطب و ایجاد انگیزه در او از روش‌هایی استفاده می‌شود که کمتر با فطرت انسان امروزی سازگار است و در نتیجه غالباً باعث ایجاد شوق و انگیزه در او نمی‌شود. به بیان دیگر غالب آموزش‌های دینی امروز دارای دو اشکال اساسی می‌باشد:

۱. عدم توجه به نقش مهم انگیزه و شوق در عمل به دستورات دین.
۲. استفاده از مباحثی که توانایی لازم را برای ایجاد انگیزه در مخاطب را دارا نیست مانند پرداختن به بحث بهشت و جهنم به عنوان انگیزه دینداری.

شهید سید محمد باقر صدر درباره ایراد دوم می‌فرماید: امروز مسئله بهشت و جهنم برای بیشتر مردم اهمیتی ندارد! زیرا انسان امروزی مادی‌گرایانه تربیت می‌شود، مادی‌گرایانه رشد می‌کند، بر اساس اعداد و ارقام قابل شمارش بزرگ می‌شود، بر اساس «سیلی نقد به از حلوای نسیه» زندگی می‌کند؛ بنابراین روش تربیتی و الگوهای رفتاری وی باعث می‌شود اندیشه بهشت و جهنم نزد او بی‌فروغ شود و انگیزه‌ای ایجاد نکند! شاید عقلاً به آن باور داشته باشد اما این اندیشه احساسات او را تحریک نمی‌کند. حتی اینکه مسلمانان صدر اسلام جانشان را فدای اسلام می‌کردند و در راه اسلام از خودگذشتگی می‌نمودند و در این مسیر از هم پیشی می‌گرفتند به خاطر بهشت و جهنم نبود بلکه به خاطر این بود که به اسلام عشق می‌ورزیدند و می‌دیدند که

جاهل بودند، اسلام آن‌ها را عالم کرد، پراکنده بودند اسلام آن‌ها را یک‌پارچه کرد، سرگردان بودند اسلام آمد هدایت‌شان کرد، فقیر بودند اسلام آن‌ها را سیر کرد. (صدر، ص ۳۸)

این یعنی انگیزه آنان فوائد مادی اسلام در همین دنیا بوده است و پیامبر نیز با نشان دادن فوائد اجتماعی دین، مردم صدر اسلام را به دین اسلام دعوت کرد.

مرحوم صدر در ادامه اضافه می‌کند: چون این انسان در عالم حس و جهان مادی زندگی کرده، این سخن که فقط بعد از مرگ دین برای تو خوشبختی می‌آورد (باعث نجات از جهنم و رسیدن به بهشت می‌شود)، هیچ زمان کافی و موثر نخواهد بود؛ حتی در زمان پیامبر اکرم (ص)؛ بلکه به انسان می‌گوییم تو امروز سختی‌های دینداری را بپذیر و همین فردا اسلام راه خوشبختی را در مقابل تو باز می‌کند. (صدر، ص ۳۸)

برای رفع این دو اشکال و اینکه فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی در حوزه دین اثرگذار بوده و بتواند باعث گرایش افراد به دین شود، می‌بایست مباحثی که در ادامه به تشریح آنها خواهیم پرداخت در فرآیند آموزش و تبلیغ دین، مورد توجه قرار گیرد:

الف) ارائه تصویری درست از دین اسلام

آگاهی و شناخت، اصلی‌ترین مبداء ایجاد شوق و انگیزه در انسان می‌باشد به طوری که برخی کتب فلسفی آن را تنها مقوله تأثیرگذار در ایجاد شوق و به تبع آن تنها مبداء افعال ارادی دانسته‌اند. بر همین اساس ایجاد انگیزه در افراد برای دینداری متوقف بر ارائه تصویری درست از دین اسلام می‌باشد. (طباطبایی، ص ۱۲۲ و ۱۲۳) امروزه برداشت‌ها و تفاسیر مختلفی از دین اسلام وجود دارد، برخی تنها آن را به آخرت انسان محدود کرده و برخی دیگر تنها بیان احکام فردی و اخلاق را در شأن دین می‌دانند؛ اگرچه غالب صاحب‌نظران و فرهیختگان دینی در جامعه امروز این برداشت حداقلی از دین را ناصواب می‌دانند؛ اما هنوز بسیاری از فعالیت‌های تبلیغی و محتوای آموزشی در حوزه دین اسلام بر مبنای نگاه‌های ناقص پیش رفته و تصویری نادرست از دین به مخاطب ارائه می‌کنند؛ بدیهی است که این گونه برداشت‌ها از دین از آنجا که با اصل اسلام و فطرت انسانی فاصله‌ها دارد؛ مثمر ثمر واقع نشده و نخواهد شد.

اینجاست که ضرورت وجود نگاهی جامع مبتنی بر قرآن کریم و سیره اولیای الهی و مطابق با فطرت و نیازهای انسان نمایان می‌شود تصویری که نقایص برداشت‌های حداقلی را نداشته و بر جان مخاطب بنشیند به گونه‌ای که گویا گمشده خویش که همان مسیر رسیدن به بهترین زندگی در دنیا و آخرت می‌باشد را یافته است. (پناهیان، ص ۴۸)

ایجاد این شناخت صحیح و کلی از دین اسلام در مخاطب متوقف بر اموری که در ادامه به بیان هر یک خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است از آنجا که این نوشتار در مقام بیان راهبرد می‌باشد از بیان جزئیات دقیق گام‌های عملیاتی صرف نظر می‌کند.

۱. پرداختن به هدف دین اسلام

شناخت هدف یک چیز، از مهم‌ترین گام‌های شناخت آن می‌باشد. هدف دین اسلام هدایت انسان‌ها است؛

اما همین مسئله هدایت خود نیز محل اختلاف است و همان برداشت‌های ناقصی که سابقاً بیان شد در اینجا نیز مطرح می‌شود به همین دلیل اشاره به این نکته که هدایت چگونه و به چه سمت و سویی خواهد بود اهمیت زیادی در این بحث خواهد داشت. مقصود از هدایت در اسلام راهبری انسان به سوی سعادت دنیوی و اخروی اوست؛ سعادت یعنی کامیابی و خوشی یعنی همان چیزی که همه انسان‌ها به دنبال آن هستند. نکته مهم این است که دین اسلام تنها سعادت انسان در آخرت را مدنظر ندارد بلکه از آنجا که زندگی دنیا و آخرت در امتداد یکدیگرند اسلام هدایت انسان به سوی زندگی همراه با آرامش و اعتدال و نشان دادن راه درست بهره‌مندی حداکثری از نعمات مادی و معنوی در دنیا را نیز مدنظر دارد؛ برخلاف مسیحیت و یهودیت تحریف شده که یکی دنیا را وانهاده و دیگری توجه بسیار کمی به آخرت دارد.

۲. تبیین علت فرستادن دین از سوی خداوند متعال

علت یک چیز فراتر از هدف آن است و نقش به‌سزایی در فهم درست آن دارد. اطلاع از چرایی فرستاده شدن دین یکی از عوامل تعیین‌کننده در نوع نگاه به دین است؛ این که فرد بداند دستورات دینی تنها و تنها از روی محبت بی‌حد و حصر پروردگار عالم به بندگانش می‌باشد باعث می‌شود دید مثبتی نسبت به دین پیدا کند البته دانستن علت فرستاده شدن دین به تنهایی برای ایجاد انگیزه کافی نبوده و زمانی فرد می‌تواند قلباً به آن باور پیدا کند که ثمره و فایده دینداری را در زندگی خویش ببیند.

۳. عقلانی بودن دستورات دین

بعضی گمان می‌کنند که دستورات دین بر مبنای یک سری ارزش‌های اخلاقی است، و یا چون خدا دستور داده باید آنها را انجام داد تا هم شکر نعمات او را به جا آورده باشیم و هم از عذاب الهی در امان باشیم! این در حالی است که اگر خدا و جهان آخرت نیز وجود نداشت، انسان برای دستیابی به زندگی آرام و لذت بخش و دوری از ضرر و زیان در همین زندگی مادی می‌بایست دستورات دین را رعایت می‌کرد؛ چرا که تمام دستورات دین بر مبنای منفعت انسان است به طوری که در بسیاری از موارد دانشمندان علوم مختلف به آن اذعان داشته‌اند؛ و عقل نیز حکم می‌کند که انسان دفع ضرر کرده و به دنبال منافعش باشد.

۴. ثمره و فایده دینداری برای انسان

تبعیت از دستورات دین به خودی خود باعث تأمین منافع انسان در دنیا و آخرت می‌شود. برخلاف آنچه از برخی تعلیمات غلط دینی برداشت می‌شود که دین هیچ اثری در زندگی دنیایی و مادی انسان ندارد؛ اساساً هیچ دستور دینی‌ای نیست مگر آنکه به سود همین زندگی مادی انسان نیز می‌باشد. حتی آن دستوراتی که بیشتر جنبه معنوی و آخرتی دارد مانند خواندن نماز شب که باعث نورانیت چهره - که اثری مادی است - می‌شود. دینداری همچنین باعث می‌شود انسان در معرض رحمت خاص خداوند قرار گرفته و خداوند خود امور او را کفایت کند او را در تمام سختی‌ها یاری کرده و تمام نیازهای او را برطرف سازد.

پرداختن به این بحث باعث می‌شود فرد ذهنیت درست و مثبتی از دین پیدا کند و دیگر مانند کسانی که نسبت به منافع دینداری آگاهی ندارند، دیگر احساس نکند که دستورات دین تکالیفی مشقت‌بار و بیهوده

هستند؛ و از آنجا که انسان ذاتاً به دنبال منافع خویش و لذت بردن است وقتی منافع بسیار دینداری را بداند با شوق و از اعماق وجود دیندار می‌شود.

ب) نیاز انسان به دین

انسان موجودی است که از همان آغاز در صدد رفع نیازهای مادی و معنوی خویش و رسیدن زندگی آرام و لذت‌بخش می‌باشد. اما تأمین این نیازها در جهانی با این قوانین پیچیده کاری دشوار است حتی برآورده ساختن ساده‌ترین نیازهای مادی انسان نیز به دلیل پیچیدگی و ظرافت خلقت او کار آسانی نیست چه رسد به نیازهای روحی و معنوی او.

از همین روست که این انسان نیازمند برنامه‌ای جامع و دقیق است که مختصات و ویژگی‌های او و جهانی که در آن زندگی می‌کند را در نظر داشته باشد و راه را از بی‌راهه نشان بدهد.

تبیین این بحث که انسان برای رفع نیازهای خود به دین نیازمند است، در ایجاد انگیزه دینداری نقش قابل توجهی دارد؛ اما نکته‌ای که غفلت از آن می‌تواند از اثر بحث بکاهد مختص نبودن دین به نیازهای معنوی و روحی انسان است، این گونه تلقی از دین و مختص دانستن آن به امور معنوی از دو جهت نارواست:

۱. این گونه تلقی از دین باعث ایجاد انگیزه در مخاطب نمی‌شود چرا که اولاً اکثر مخاطبان امروزی بیشتر به نیازهای مادی خویش توجه دارند و ثانیاً رفع برخی نیازهای مادی پیش‌نیاز پرداختن به معنویات است.
۲. این نوع نگاه اجحافی بزرگ در حق دین اسلام است چرا که اسلام دینی جامع و کامل بوده و تمام ابعاد وجودی و نیازهای انسان را در نظر دارد؛ و ما حتی برای رفع نیازهای مادی و داشتن یک زندگی خوب در همین دنیا نیز به دین نیازمندیم. لذا می‌بایست با در نظر داشتن این نکته به تبیین نیاز انسان‌ها به دین اسلام در تمام ساحت‌های زندگی پرداخت.

ج) سرنوشت دنیایی کسانی که از دین خدا تبعیت نکردند:

«فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ...» (آل عمران، ۱۳۷)

خداوند متعال در جای جای قرآن کریم انسان‌ها را دعوت به تأمل و اندیشیدن درباره سرنوشت کسانی که پیامبران و ادیان الهی را تکذیب کرده و حاضر به پیروی از آنان نشدند، می‌کند.

واضح و روشن است که منظور از عاقبت همین سرنوشت دنیایی انسان است؛ طبق آنچه در قرآن کریم یاد شده این افراد بی‌دین حتی در همین زندگی دنیایی نیز عاقبت خوشی نداشته‌اند.

امروزه نیز تمدن غرب به عنوان یک تمدن ضد دین و به اصطلاح، آزاد، نمونه‌ای بارز از عاقبت زندگی بدون دین است؛ تمدنی که به قدری دچار فساد شده که مفهوم خانواده در آن دیگر معنایی ندارد تا آنجا که بسیاری از جوانان فرانسوی که از آن به عنوان مهد آزادی یاد می‌شود حتی پدر خویش را نمی‌شناسند!

اگر چه تمدن پرزرق و برق غرب به دستاوردهایی خوبی در زمینه علم و فناوری دست یافته اما اولاً این دستاوردها نتوانسته زندگی خوب و همراه با آرامش را برای اکثریت جامعه غربی به ارمغان بیاورد و همان طور که بیان شد بسیار از افراد حتی از لذت زندگی در کنار خانواده محروم‌اند و به قدری به پوچی رسیده‌اند که

به اختراع دستگاه‌هایی برای پایان دادن به زندگی خود روی آورده‌اند! و ثانیاً این توسعه‌های مادی نتیجه کار و تلاش و تفکر است نه نتیجه بی‌دینی؛ توضیح بیشتر آن که این کار و تلاش افراد بی‌دین که در ظاهر اعتقادی به خدا ندارند در واقع تبعیت از دستورات خداوند است؛ چرا که خداوند انسان را به کار و تلاش امر کرده و این کار و تلاش بی‌نتیجه نمی‌ماند به بیان دیگر گر چه آن فرد بی‌دین در گفتار و ظاهر اعتقادی به دین ندارد اما در واقع به بعضی از دستورات خداوند عمل می‌کند و این یعنی اعتقاد به دین و خداوند در عمل؛ با این که محدود است اما اثرات خود را در زندگی مادی می‌گذارد و خداوند نتیجه این اعمال را به او می‌دهد.

بدیهی است که این گونه افراد با افراد با ایمان تفاوت زیادی دارند چرا که مومنان علاوه بر بهره‌مندی از آثار ذاتی رفتارها و اعمال‌های خود از مهربانی خاص و امدادهای نیز برخوردار هستند و خداوند به طور ویژه آنان را یاری می‌کند.

چنان که گذشت افراد جامعه امروزی به خصوص جوانان و نوجوانان، مادی‌گرایانه تربیت شده، مادی‌گرایانه رشد کرده و بر اساس اعداد و ارقام قابل شمارش بزرگ شده‌اند. از همین رو بحث از تأثیر بی‌دینی در کیفیت زندگی مادی انسان تأثیر مطلوبی در ایجاد شوق و انگیزه دینداری در افراد دارد و می‌بایست به سرنوشت کسانی که از راهی به جز دین الهی در صدد دستیابی به زندگی خوب بوده‌اند برای مردم بیان شود که مصادیق متعددی از آن‌ها در گذشته و در عصر امروز وجود دارد.

۳. فراهم نمودن بستر مناسب دینداری

در کنار پرداختن به ایجاد زمینه دینداری و انگیزه در افراد می‌بایست به فراهم نمودن بستر مناسب برای دینداری افراد جامعه علی‌الخصوص جوانان و نوجوانان، توجه ویژه داشت. از مهم‌ترین ارکان ایجاد بستر مناسب برای زیست دینی در جامعه، رفع موانعی است که بر سر راه دین و دینداری قرار دارد؛ موانعی که گاهی باعث تحریف در دین و گاهی نیز باعث فریب مردم جامعه می‌شود که مصداق بارز آن در جامعه امروز رسانه و فضای مجازی است، که نه توسط دشمنان دین بلکه توسط دشمنان انسان و انسانیت، مدیریت می‌شود! روشن است که رسانه و فضای مجازی، فی‌نفسه مانعی برای دینداری به شمار نمی‌رود بلکه می‌تواند به فرآیند تبلیغ و آموزش دین در سطح جهان کمک شایانی کند. آنچه محل اشکال است مدیریت و سیاست‌گذاری این رسانه‌ها توسط شرکت‌هایی است که غالباً سهامداران آن، یهودیانی هستند که هدفی جز تسلط همه جانبه بر مردم جهان و نابود کردن و یا به بردگی کشیدن آنان ندارند.

فضای مجازی در جامعه امروز ما به عنوان سلاحی بر علیه مردم است که ذهن و روح آنان را هدف گرفته و با بر عکس جلوه دادن واقعیات، ایجاد شبهات، وارونه جلوه دادن حقیقت تمدن غرب و در نهایت اشاعه گسترده فساد و فحشا ضربه بزرگی به افراد جامعه به خصوص جوانان و نوجوانان وارد کرده است، به گونه‌ای که حتی خانواده‌های معتقد و با ایمان نیز از آثار مخرب آن در امان نمانده‌اند.

تا زمانی که رسانه و علی‌الخصوص فضای مجازی کشور زیر سلطه و نفوذ بیگانگان و دشمنان خدا و اسلام و انسان‌ها باشد نمی‌توان انتظار اثرگذاری مطلوب و گسترده‌ای از فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی در

حوزه دین داشت حتی اگر پیش‌زمینه پذیرش دین ایجاد شده باشد و این فعالیت‌ها به درستی انجام گیرند؛ چرا که تندباد شبهه و عقاید باطل و فساد و فحشایی که از طریق فضای مجازی به جامعه تزریق می‌شود، می‌تواند این گلستان را یک شبه به خاکستر تبدیل کند.

پرداختن به فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی در حوزه دین اگر همراه با بی‌توجهی به تأثیر رسانه‌هایی مانند شبکه‌های اجتماعی خارجی و حتی شبکه‌های نمایش خانگی داخلی بر روی افکار و دل و جان جوانان باشد و راه‌کاری برای بهبود وضع این رسانه‌های در دسترس همگان صورت نگیرد؛ به مثابه ریختن آب در ظرفی سوراخ است!

ممکن است برخی گمان کنند که راه‌کار این مسئله حضور پررنگ افراد معتقد در این بسترهای رسانه‌ای و ایجاد محتوای مناسب و نشر آن به صورت گسترده می‌باشد؛ این راه‌کار در رابطه با رسانه‌های مانند شبکه‌های نمایش خانگی و بسترهای مجازی داخلی می‌تواند اثربخش باشد اما در بسترهایی که حکمرانی آن در اختیار دشمنان است، این گونه فعالیت‌های آب در هاون کوبیدن است؛ راه‌کار درست در ارتباط با این گونه بسترها، جایگزین کردن بسترهای داخلی با بسترهای خارجی است. بسترهای داخلی‌ای که سیاست‌گذاری و مدیریت آن در اختیار کشور است و می‌توان به محتوای منتشر شده در آن نظارت داشت. این راه‌کار، بخش کوچکی از کلان برنامه شبکه ملی اطلاعات است که مورد تأکید بسیار رهبر معظم انقلاب نیز می‌باشد و امید است در آینده نه چندان دور تحقق یابد تا باعث برطرف شدن یکی از موانع بزرگ دینداری در جامعه امروز بشود.

نتیجه‌گیری

ضرورت داشتن راهبردهایی برای ارتقای کمی و کیفی دینداری به خصوص میان جوانان و نوجوانان در جامعه امروز امری انکار ناپذیر است که متأسفانه چندان که باید به آن پرداخته نشده و به روش‌هایی سنتی و قدیمی که اکثراً هیچ تناسبی با جامعه امروز ندارد اکتفا شده و یا اگر فعالیت‌هایی نیز صورت گرفته به به تقویت ظاهری فعالیت‌های تبلیغی پرداخته و مفاهیم محتوای ارائه شده به مخاطب از نظر چینش و ادبیات تغییری نکرده است. در این نوشتار سعی شد ضمن ارائه راهبردهایی برای ترویج و تعمیق دینداری که بیشتر ناظر به محتوای فعالیت‌های تبلیغی در حوزه دین است به تبیین ضرورت هر بحث در کنار پاسخ به ابهاماتی که ممکن است مطرح شود، پرداخته شود تا به کار بستن آنها و ترسیم سیر فعالیت‌های تبلیغی ذیل این راهبردها در سه محور اصلی: ایجاد پیش‌نیازهای دینداری، ایجاد انگیزه برای تبعیت از دین اسلام و فراهم نمودن بستر مناسب دینداری؛ برای دغدغه‌مندان این عرصه آسان باشد و بتواند زمینه‌ای باشد برای تفکر بیشتر درباره راهبردهای ترویج دینداری در جامعه امروز؛ به گونه‌ای که بتواند باعث ایجاد تحول در آموزش‌های دینی شده و سطح اعتقاد و پایبندی افراد جامعه به دین اسلام روز به روز افزون گردد چرا که این مهم تضمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. پناهیان، علیرضا، حلقه مفقوده در تولید علم در حوزه‌های علمیه، تهران: نشر بیان معنوی، ۱۴۰۱ ه.ش.
۳. صدر، سیدمحمدباقر، حوزه و بایسته‌ها، ترجمه سیدامید مؤذنی، قم: نشر دارالصدر، ۱۳۹۸ ه.ش.
۴. طبایبی، سیدمحمدحسین، نه‌ایه الحکمه، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش.
۵. وکیلی، محمدحسن، معرفت شناسی (کتاب معلم)، مشهد: موسسه جوانان آستان قدس رضوی، ۱۳۹۸ ه.ش.